

بررسی تأثیر آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر درآمدهای مالیاتی ایران با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری (VAR)

* علی فلاحتی

** ابوالفضل میرزایی

*** علی اکرم میرزایی

چکیده

پدیده جهانی شدن که فرآیند در هم آمیختن و ادغام اقتصادهای ملی با اقتصاد جهانی است، در دهه های اخیر مورد بحث سیاستگذاران و برنامه ریزان بوده است. آزادسازی تجاری که به عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش در تعرفه ها و سایر موانع تجاری تعریف شده است، مهم ترین نیروی پیش برنده جهانی شدن محسوب می شود. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات (افزایش بازرگانی بین المللی)، افزایش جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و بین المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی و جهانی شدن تولید می شود. از طرف دیگر مالیات ها به دلیل تأثیر بر فعالیت های اقتصادی، به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای سیاستگذاری دولت به شمار می روند. با توجه به اینکه مالیات ها در ایران، پس از نفت، مهمترین منبع درآمدی دولت است، اگر مقدار درآمد مالیاتی با استفاده از آمار، اطلاعات و اصلاح سیاست های مالیاتی به طور دقیق برآورد شود، می تواند به برنامه ریزان توسعه اقتصادی، در بودجه بندی دقیق تر دولت، کمک و افری نماید. بنابراین تجزیه و تحلیل

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، AIEFAHAHIII@YAHOO.COM

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، ABOEFAZIMIRZAEI63@GMAIL.COM

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، ALI.MIRZAEI88@GMAIL.COM

درآمدهای مالیاتی می تواند در کاهش اختلالات بودجه بندی دولت و هم چنین اصلاح ساختار آن برای پایدار نمودن درآمدهای دولت مؤثر باشد.

در این مقاله جهت تخمین مدل از رویکرد خودرگرسیون برداری (VAR) استفاده شده است و براساس نتایج این تحقیق آزادسازی تجاری و پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی تأثیر منفی بر درآمدهای مالیاتی دارد.

واژه‌های کلیدی: درآمدهای مالیاتی، سازمان تجارت جهانی، مدل خودرگرسیون برداری (VAR)، آزادسازی تجاری

۱- مقدمه

توسعه اقتصاد و تجارت بین‌المللی منجر به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی به هم وابسته‌ی جهانی شده است که به سوی تبدیل شدن به یک اقتصاد یکپارچه جهانی حرکت می‌کند. در این فرایند جهانی شدن، اهمیت و نقش نهادهای بین‌المللی اقتصادی و پیمان‌های چندجانبه، پیوسته رو به افزایش است و به همراه خود مجموعه نوینی از قواعد، رویه‌ها و اصول تجاری و اقتصادی را به جهان عرضه می‌کند. جهانی شدن، پدیده‌ای چند بعدی است، که دارای جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. از جهانی شدن، به عنوان فرایند ادغام سریع اقتصادی بین کشورها، که شامل آزادسازی تجاری، جریان سرمایه گذاری و همچنین تغییرات تکنولوژیکی است، یاد می‌شود. در جایی دیگر، از جهانی شدن با عنوان کاهش در موانع اعم از تکنولوژیکی یا قانونی برای مبادله اقتصادی میان ملت‌ها صحبت شده است. با وجود آن که پدیده‌ی جهانی شدن دارای جنبه‌های مختلفی، اعم از آزادسازی تجاری، تغییرات تکنولوژیکی، مهاجرت و جابه‌جایی سرمایه است، اما در متون اقتصادی، هر جا که صحبت از جهانی شدن پیش می‌آید، بحث بیشتر روی تجارت و آزادسازی تجاری متمرکز می‌شود. آزادسازی تجاری که به عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش در تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری تعریف شده است، مهم‌ترین نیروی پیش برنده جهانی شدن محسوب می‌شود. در دو دهه اخیر، افزایش سریع در جریان کالاها و خدمات میان مرزهای کشورهای مختلف، یکی از جنبه‌های قابل

مشاهده افزایش در ادغام اقتصادی کشورها بوده است (کشاورز حداد و نجاحتی محرمی، ۱۳۸۵).

آزادسازی تجاری اغلب شامل کاهش و یکپارچه سازی تعرفه ها و تخفیف و تقلیل موانع کمی و مقداری بر سر راه تجارت خارجی می شود، و ممکن است به وسیله تضعیف ارزش پول و اصلاح نظام مالیاتی داخل همراه و حمایت شود. در روند آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)، بسیاری کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به دلیل مشکلات ساختاری اقتصادی، در ابتدا با مشکلاتی روبه رو بوده‌اند. بی‌عدالتی اقتصادی، کسری حساب تجاری، فشار شدید رقابت و از بین رفتن قسمت اعظم بخشهای مختلف تولیدی ناکارا ناشی از فشار رقابت خارجی، برخی از این مسائل است. این مشکلات باعث افزایش بیکاری و کسری بودجه ی دولت ناشی از کاهش درآمدهای گمرکی و تعرفه ای کالاهای وارداتی و صادراتی شده است (پاپونساک، ۲۰۰۹، ۱۴۲).

هنگام اجرای برنامه آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)، سیاست گذاران اغلب از پیش بینی درآمدهای مالیاتی طفره می روند، زیرا عدم اطمینان زیادی در رابطه با اثرات آزادسازی تجاری بر روی درآمدهای مالیاتی و سیاست های مالیاتی وجود دارد. با وجود این مشکلات، گرایش های قوی در جهت آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی وجود داشته است؛ زیرا در عمل اقتصادهای باز نسبت به اقتصادهای بسته، نرخ رشد بالایی را تجربه کرده اند. از آنجا که آزادسازی تجاری پیش نیاز انتقال از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد باز است، در نتیجه برای بیشتر کشورها، آزاد سازی و پیوستن به سازمان تجارت جهانی پیش نیاز رشد اقتصادی است. این کشورها با آزادسازی تجاری، از طریق برخورداری از منافع ایستا و پویای ناشی از تجارت از طریق ارتقاء جریان دانش، تشدید رقابت، تخصیص کارآمد منابع و سرمایه گذاری و نهایتاً رشد سریع انباشت سرمایه و پیشرفت فنی، افزایش چشمگیری در رشد اقتصادی را داشته اند (مارکی، ۲۰۱۰). عضویت در سازمان تجارت جهانی به همراه اهداف و مقاصد خود، از طریق آزادسازی تجاری، آزادسازی نرخ ارز، حذف حمایت‌ها و... بر سطح رقابت‌پذیری بنگاه‌ها (و یا محصولات تولیدی آنها) اثر می‌گذارد.

بر همین اساس بنگاه‌هایی که از سطح رقابت‌پذیری بالایی برخوردار باشند از ادغام در

اقتصاد جهانی و آزادسازی تجاری به واسطه دسترسی به بازارهای خارجی بیشتر منتفع خواهند شد. در این بنگاه‌ها بیکاری در حداقل خود بوده و آزادسازی تجاری، تأثیر مثبت بر وضع کارگران خواهد داشت؛ و حتی در این بنگاه‌ها سطح بهره‌وری نیز بواسطه بهتر شدن وضع کارگران رو به بهبود گذاشته و بنگاه در یک دور رو به موفقیت قرار خواهد گرفت. همچنین این بنگاه‌ها در نفوذ به بازارهای جدید و نوظهور نیز از توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالایی برخوردار خواهند شد. در مقابل این بنگاه‌ها، بنگاه‌هایی قرار دارند که سطح رقابت‌پذیری در آنها پایین بوده و با عضویت در سازمان تجارت جهانی علاوه بر از دست دادن بازارهای خارجی، بواسطه آزادسازی تجاری، جایگاه خود را در بازارهای داخلی نیز به مرور زمان از دست خواهند داد. به تعبیری با ادغام در اقتصاد جهانی و آزادسازی تجاری این بنگاه‌ها متضرر شده و بیکاری در آنها رو به افزایش خواهد نهاد.

ایجاد فضای رقابتی در جامعه و ارتقاء سطح رقابت‌پذیری محصولات تولیدی بنگاه‌ها، زمینه‌ساز عضویت در سازمان تجارت جهانی است. رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، کمیتی است که از طریق حاکمیت بازار و شکل‌گیری فعالیت‌ها بر پایه مزیت نسبی و رقابت محقق می‌شود (ولی بیگی و سیف، ۱۳۸۲).

از طرف دیگر، دولت‌ها از درآمدهای مالیاتی برای فراهم کردن کالاها و خدماتی که برای افزایش رشد و پیشرفت اقتصادی، اصلاح نارسایی بازارها، توزیع مجدد درآمد و ثروت و ابقای ثبات اقتصادی کلان به آنها نیاز دارند، استفاده می‌کنند. این موضوع در کشورهایی که به اقتصاد جهانی وابستگی دارند بسیار با اهمیت است. این کشورها به یک فضای مناسب مالی و مالیاتی برای محافظت اقتصاد خود در برابر شوک‌های خارجی نیازمندند.

چگونگی طراحی یک سیستم مالیاتی در یک کشور پیشرفته یا هر کشور دیگری بسیار پیچیده است که نیازمند شناسایی و مطالعه ویژگی‌های کشورهای مربوطه است. بنابراین دستورالعمل کلی برای موفقیت در این زمینه وجود ندارد.

بدین ترتیب به منظور حداقل‌سازی زیان‌های ناشی از پیوستن به (WTO) بهتر است درک روشنی از وضعیت بخش‌های مختلف اقتصادی کشور داشته و بخش‌هایی که آسیب‌پذیرترند را شناسایی نموده و اقدامات پیش‌گیرانه صورت گیرد.





در سال‌های اخیر از جمله مباحث اصلی اقتصاددانان، تبیین اثر آزادسازی تجاری و پیوستن کشورهای درحال توسعه به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر متغیرهای کلان اقتصادی این کشورهاست. لذا با توجه به تحول جهانی در زمینه آزادسازی تجاری و آثار آن در اقتصاد، مقاله حاضر به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی ایران با رویکرد خودرگرسیون برداری (VAR) می‌پردازد.

۲- پیشینه‌ی تحقیق و مروری بر مطالعات انجام شده

لوک (۲۰۰۱)، اثر مالیاتی آزادسازی تجاری را با استفاده از جدول داده ستاده و مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، با سناریوهای مختلف از آزادسازی تجاری برای کشور سوریه شبیه سازی کرده است. وی نتیجه گرفت که اگر آزاد سازی تجاری به صورت افراطی و خارج از کنترل صورت گیرد، کسری بودجه‌ی این کشور، به دلیل کاهش درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد؛ ولی این کاهش در درآمدهای مالیاتی را می‌توان از طریق اصلاح سیستم‌های مالیاتی داخلی و استفاده از مالیات بر ارزش افزوده جبران کرد.

برتشگر و هتیش (۲۰۰۲)، با استفاده از داده‌های پانل طی سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۹۶ اثر جهانی سازی بر ترکیب مالیاتی را برای ۱۴ کشور عضو OECD مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که جهانی سازی اثری معنادار و منفی روی درآمدهای مالیاتی هماهنگ دارد.

خاتری و راثو (۲۰۰۳)، رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را برای چهار گروه از کشورهای با درآمد سرانه‌ی کم، درآمد سرانه‌ی متوسط به پایین، درآمد سرانه‌ی متوسط به بالا و درآمد بالا، طی ده‌ی ۸۰-۱۹۷۰ میلادی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای در حال توسعه، آزادسازی تجاری باعث کاهش درآمد مالیات بر تجارت شده است. همچنین، با توجه به عدم اجازه‌ی ساختار مالیاتی این کشورها در جبران کاهش درآمد مالیات بر تجارت با مالیات‌های داخلی، کل درآمد مالیاتی این کشورها نیز با آزادسازی تجاری کاهش یافته است.

ماجامدار (۲۰۰۴)، در شرایط رقابت غیرکامل، روش‌های جبران کاهش درآمدهای گمرکی ناشی از کاهش تعرفه گمرکی را بر روی کالاهای واسطه‌ای دولت بدون کاهش

رفاه تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بعد از آزادسازی در مقایسه با قبل از آزادسازی بررسی کرده است. بر اساس نتایج این تحقیق، تنها در حالت وجود صنعت انحصاری، افزایش نرخ مالیات بر سود می‌تواند کاهش درآمد گمرکی دولت را جبران کند، بدون اینکه رفاه مصرف کنندگان و تولیدکنندگان کاهش یابد. همچنین، بر اساس برخی دیگر از نتایج این تحقیق، هر چه تعداد بنگاه‌های موجود در یک صنعت بیشتر باشد، احتمال رسیدن دولت به اهداف رفاهی و درآمدی خود با کاهش نرخ تعرفه‌های گمرکی و افزایش نرخ مالیات بر سود کمتر بوده است.

توسان (۲۰۰۵)، با استفاده از داده‌های پانل برای ۶۵ کشور دنیا از جمله ۱۶ کشور در خاورمیانه و آفریقای شمالی از سال ۱۹۸۰-۱۹۹۷ چگونگی واکنش ساختار مالیاتی نسبت به آزادسازی تجاری را مورد آزمون قرار داد. نتایج بررسی‌های وی نشان داد که همانند کشورهای غیر OECD، همگام با آزادسازی تجاری مالیات بر مصرف داخلی در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی افزایش نمی‌یابد.

باونسگارد و کین (۲۰۰۵)، رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را با تقسیم ۱۱۱ کشور به سه گروه کشورهای با درآمد بالا، درآمد متوسط و درآمد کم، طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۵ میلادی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای با درآمد بالا، کاهش درآمد مالیاتی ناشی از آزادسازی تجاری توسط سایر منابع درآمدی پوشش داده شده است. در کشورهای با درآمد متوسط، به ازای هر دلار کاهش در درآمد مالیاتی، ۴۵-۶۰ سنت آن پوشش داده می‌شود، ولی در مورد کشورهایی با درآمد کم این پوشش بسیار ناچیز خواهد بود.

درهر (۲۰۰۵)، با استفاده از داده‌های پانل مربوط به سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۰ اثر جهانی شدن را بر مالیات‌ها و سیاست‌های اجتماعی در مورد کشورهای عضو OECD بررسی کرده است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که جهانی شدن باعث افزایش درآمدهای مالیاتی بر مصرف و سرمایه در این کشورها شده است.

اگیبگ و همکاران (۲۰۰۶)، رابطه‌ی بین تغییرات نرخ ارز، آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را در ۲۲ کشور آفریقائی، با استفاده از داده‌های پانل طی دوره‌ی ۹۶-۱۹۸۰ بررسی کرده‌اند. آن‌ها با به کارگیری روش رگرسیون گشتاورهای عمومی (GMM)، نتیجه گرفتند



که رابطه‌ی بین آزادسازی تجاری و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها به نوع شاخص جایگزین استفاده شده برای آزادسازی تجاری حساس بوده و همچنین، بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی کل و درآمد مالیات بر تجارت و درآمد مالیات بر مصرف رابطه‌ی قوی وجود نداشته است. با این وجود بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیات بر درآمد، رابطه‌ی نسبتاً قوی وجود داشته است. همچنین آنها پیشنهاد می‌کنند که برای ابقای بازده مالیاتی، آزادسازی تجاری همراه با سیاست‌های مالی مناسب همراه و حمایت گردد.

برافو اینسایدو و اوبگ (۲۰۰۸)، رابطه‌ی آزادسازی تجاری وارداتی و درآمدهای مالیاتی تعرفه‌ای را در مورد کشور غنا مورد بررسی قرار دادند. طی این بررسی آنها نتیجه گرفتند که رابطه‌ی بین این دو مؤلفه‌ی اقتصادی منفی است. آنها برای بهبود این وضعیت، اصلاح نحوه‌ی مدیریت و مکانیزم‌های مالیاتی و تعرفه‌ای را پیشنهاد کردند.

پاپونساک (۲۰۰۹)، اثر آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی و دولتی و میزان صادرات و واردات و نیز تأثیر آزادسازی تجاری در افزایش کارایی نظام مالیاتی را در کشور تایلند طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۵ مورد بررسی و آزمون قرار داد. وی نشان داد که با آزادسازی تجاری، میزان صادرات و واردات و کارایی نظام مالیاتی افزایش و درآمدهای مالیاتی و دولتی کاهش می‌یابند، ولی دولت با این افزایش کارایی مالیاتی و اصلاحات مالیاتی می‌تواند کاهش مذکور را جبران نماید. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که اصلاحات مالیاتی مورد نیاز برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است.

مارکینگ (۲۰۱۰)، اثرات آزادسازی تجاری بر اصلاحات مالیاتی و اثرات درآمدی ناشی از این اصلاحات را در مورد کشور کپ ورد طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار داد. وی با توجه به این بررسی نتیجه گرفت که آزادسازی تجاری، با اصلاح نظام مالیاتی و با افزایش میزان درآمد حاصل از مالیات بر تجارت خارجی، می‌تواند کاهش درآمد ناشی از کاهش تعرفه‌های گمرکی را جبران کند.

برتشگر (۲۰۱۰)، اثر باز بودن اقتصاد را روی مالیات‌های هماهنگ و سپس اثر مالیات‌های هماهنگ روی رشد اقتصادی ۱۲ کشور عضو OECD با استفاده از داده‌های پانل طی سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۹۹ بررسی می‌کند. بر اساس نتایج این تحقیق، نتایج تجربی، مبانی نظری تحقیق را تصدیق کرده و نشان می‌دهند که آزادسازی تجاری به واسطه‌ی

مالیات‌های هماهنگ باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

در زمینه‌ی مطالعات داخلی نیز خداویردی (۱۳۸۰)، اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی را با استفاده از تکنیک هم انباشتگی برای داده‌های سری زمانی ۷۷-۱۳۳۸ بررسی کرده است. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که مهم‌ترین متغیرهای کلان مؤثر بر درآمدهای مالیاتی، شامل تولید ناخالص داخلی ناخالص از ارزش افزوده‌ی نفت، ارزش افزوده‌ی گروه نفت و نرخ ارز می‌باشد؛ که تمامی آن‌ها از نظر آماری معنادار می‌باشند.

تقی پور و علیخان قمی (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر بر مالیات را در ایران مورد مطالعه قرار داده و با استفاده از آنها به پیش بینی درآمدهای مالیاتی پرداخته‌اند. آنها با استفاده از روش رگرسیون به ظاهر نامرتبط (SUR) برای دوره‌ی زمانی ۷۵-۱۳۵۲، نتیجه گرفته‌اند که به طور کلی، تغییرات در درآمد مالیاتی هر بخش از دو عامل تغییر در نظام مالیاتی و تغییرات پایه‌ی مالیاتی آن نشأت می‌گیرد. هم چنین نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که کشش اجزای مالیات مستقیم نسبت به پایه‌ی آن بزرگتر از یک و کشش اجزای اصلی مالیات غیرمستقیم نسبت به پایه‌ی آن کمتر از یک است، و هم چنین در بخش سایر مالیات‌های مستقیم و مالیات بر مصرف و فروش نقش تغییرات در نظام مالیاتی بر افزایش درآمدهای مالیاتی در بخش‌های مذکور، نسبت به بخش‌های دیگر، بیشتر است.

سید علی اکبری (۱۳۸۱)، اثر آزادسازی تجاری بر اشتغال صنعتی را مورد بررسی قرار داده است. وی نتیجه می‌گیرد که اثر آزادسازی تجاری بر روی اشتغال کل در هیچ‌کدام از گروه کشورهای در حال توسعه و صنعتی از قبل قابل پیش‌بینی نیست و تنها می‌توان گفت که احتمالاً اشتغال کل در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد، چرا که صادرات کالاهای ساخته شده زیاد می‌شود و کشش اشتغال در این بخش بالا می‌رود. همچنین، محدودیت ارزی کمتر می‌شود و جریان ورود سرمایه خارجی کاهش می‌یابد.

ولی بیگی و سیف (۱۳۸۲)، تأثیرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی را بر صنعت قطعات خودرو مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین منظور با استفاده از معیارهای مزیت نسبی همچون هزینه منابع داخلی پویا و مزیت نسبی آشکار شده متقارن، ابتدا اثرات آزادسازی تجاری و نرخ ارز بر توان رقابتی و رقابت‌پذیری بنگاه‌های تولیدکننده قطعات



خودرو در صورت عضویت در WTO طی سال‌های ۷۸-۱۳۷۳ بر اساس اطلاعات مستخرج از بنگاه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و سپس بر عوامل مؤثر بر افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها اشاره می‌کنند. نتایج حاصل از مطالعه آنها و ارزیابی توان رقابتی بنگاه‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های مختلف تولیدکننده قطعات خودرو از رقابت‌پذیری متفاوتی برخوردارند. همچنین ارزیابی آنها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۳ به بعد به دلایلی نظیر کمبود نقدینگی، ظرفیت‌های پایین تولید و... از توان رقابتی اکثر بنگاه‌ها کاسته شده است.

محسنی و غلامی نتاج امیری (۱۳۸۴)، با به کارگیری چارچوب مدل رشد درون‌زا به بررسی رابطه بین آزادسازی تجاری و رشد صنعتی در ایران مبتنی بر رویکرد هم‌انباشتگی جوهانسن و مدلسازی تصحیح خطا طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۳۸ پرداخته‌اند. نتایج تجربی حاکی از وجود یک رابطه تعادلی هم‌انباشته بین تابع ارزش افزوده صنعتی و عوامل تعیین‌کننده آن نظیر تشکیل سرمایه، نیروی کار، سرمایه انسانی، صادرات حقیقی و نرخ تعرفه وارداتی است. به منظور پویایی‌های کوتاه‌مدت درون‌نمونه و برون‌نمونه‌ای از دو ابزار مدل‌های تصحیح خطا و تجزیه واریانس (VDCS) و تابع عکس‌العمل آنی (IRFS) استفاده شده است. نتایج حاصل از VECM نشان‌دهنده وجود علیت از طرف متغیرهای سمت راست مدل به سمت متغیر ارزش افزوده صنعتی است. به عبارت دیگر حاکی از درون‌زایی متغیر وابسته می‌باشد. از طرف دیگر شواهد ناشی از VDCS حاکی از آن است که دو متغیر صادرات حقیقی و نرخ تعرفه وارداتی نقش تعیین‌کننده‌ای در توضیح دهی ارزش افزوده صنعتی داشته است. همچنین شواهد IRFS حاکی از وجود همگرایی در رابطه بلندمدت تعادلی می‌باشد.

کلباسی و همکاران (۱۳۸۴)، موقعیت صنعت مس را در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر اساس سناریوهای مختلف، طی دوره‌ی زمانی ۸۰-۱۳۷۵، با برآورد مزیت نسبی به روش DRC مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد که مجتمع مس سرچشمه بر اساس سناریوی نرخ ارز سایه‌ای و نرخ ارز مؤثر دارای مزیت نسبی است، ولی در سناریوی نرخ ارز رسمی مزیت نسبی ندارد.

ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵)، تأثیر آزادسازی تجاری بر صادرات و واردات برخی از

کشورهای در حال توسعه منتخب از جمله ایران را با استفاده از روش پویای داده‌های پانل مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق آنها حاکی از آن است که صادرات دارای رابطه منفی با قیمت‌های نسبی و رابطه مثبت با درآمد جهانی داشته است. همچنین عوارض صادراتی اثر منفی و وقوع آزادسازی تجاری اثر مثبت بر رشد صادرات داشته است. از طرف دیگر، نتایج در معادله تقاضای واردات حاکی از آن است که کاهش تعرفه وارداتی و متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد واردات کشورهای در حال توسعه بویژه ایران داشته است و هم چنین متغیرهای تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و قیمت‌های نسبی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد واردات داشته‌اند. تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و قیمت‌های نسبی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد واردات داشته است. در این مطالعه فرضیه‌ی افزایش کشش‌های درآمدی و قیمتی به واسطه‌ی آزاد سازی تجاری تایید شده است.

گرچی و علیپوریان (۱۳۸۵)، اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای عضو اوپک را با استفاده از رگرسیون داده‌های پانل و با استفاده از روش اثرات ثابت و روش حداقل مربعات معمولی OLS مورد بررسی قرار داده‌اند و نشان داده‌اند که آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی این کشورها تأثیر مثبت داشته و محدودیت‌های تجاری سبب کند شدن آهنگ رشد اقتصادی آنان خواهد شد. نتایج این مطالعه همچنین نشان می‌دهد به دلیل وابستگی این گروه از کشورها به صادرات نفت خام، هرگاه درآمدهای نفتی این کشورها بالا رود، واردات آنان افزایش یافته و در نتیجه تولیدات داخلی را به دلیل غیر رقابتی بودن با کالاهای مشابه خارجی با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین صادرات که سهم عمده آن را صادرات نفت خام تشکیل می‌دهد، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی آنان دارد.

محسنی (۱۳۸۵)، به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر ۹ قلم کالای وارداتی منتخب در قالب طبقه بندی کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای پرداخته است. وی در این مطالعه از الگوی جانیشینی غیرکامل و بصورت کالایی که در آن متغیرهای موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تعمیم داده شده برای برآورد پارامترهای تابع تقاضای واردات مبتنی بر رویکرد هم انباشتگی طی دوره زمانی ۸۲-۱۳۶۰ استفاده کرده است. نتایج تحقیق وی حاکی از آن است که با آزادسازی تجاری، تقاضای واردات در تمامی گروه کالایی منتخب بیش از یک و نیم برابر افزایش می‌یابد، اما بعد از آزادسازی تجاری ترکیب واردات بیشتر به سمت

کالاهای سرمایه‌ای میل می‌کند.

کمیجانی و قویدل (۱۳۸۵)، نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که تابع تقاضای نیروی کار ایران در بلندمدت هیچ گونه تأثیری از آزادسازی تجاری در دوره مورد بررسی ۱۳۸۳-۱۳۵۰ از خود نشان نمی‌دهد. اما در کوتاه مدت تابع تقاضای نیروی کار، در بیشتر حالت‌ها تأثیر مثبت از درجه باز بودن اقتصاد را از خود نشان می‌دهد و در دوره کوتاه مدت اثر آزادسازی به گونه‌ای است که نقش آن در اشتغال نیروی کار ماهر بیشتر از نیروی کار غیر ماهر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در هر دو مورد نیروی کار ماهر و غیر ماهر اثر درجه باز بودن اقتصاد، در اقتصاد همراه با نفت در کوتاه مدت بیشتر از اقتصاد بدون نفت بوده است. اکبریان و همکاران (۱۳۸۶)، رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی دولت را طی سال‌های ۸۴-۱۳۴۵، با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده بررسی کرده‌اند. نتایج برآورد مدل و مطالعات آنها نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری، به دلیل دولتی بودن قسمت عمده‌ای از صنایع داخلی، منجر به کاهش قابل توجه درآمد مالیات برتجارت دولت و درآمد کل مالیاتی دولت، می‌شود؛ زیرا این صنایع بهره‌وری بسیار کمی دارند و با پایین آمدن تعرفه‌های وارداتی، توان رقابت قیمتی ندارند و برای صادرات نیز نیاز به حمایت دولت دارند. بر اساس مطالعه آنها گسترش بخش خصوصی باعث افزایش رقابت سالم و بهره‌وری در بخش‌های مختلف تولیدی در ایران می‌شود و در نتیجه با آزادسازی تجاری نیز درآمد مالیاتی دولت در بلندمدت افزایش خواهد یافت.

نیکوآقبال و ولی بیگی (۱۳۸۶)، رقابت پذیری صنایع ایران در روند الحاق به سازمان تجارت جهانی را طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۶، با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکارشده و ارزش صادرات و واردات و تولیدات هریک از صنایع کشور، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید محصولات کانی غیرفلزی، صنایع غذایی، تولید منسوجات، پوشاک و چرم و کفش و تولید فلزات در پیوستن به سازمان تجارت جهانی، بیش از سایر بخش‌ها دارای مزیت نسبی‌اند.

اشرف زاده و نصیرزاد (۱۳۸۷)، تأثیر جهانی شدن را با شاخص جمع صادرات و

واردات به تولید ناخالص داخلی، تعرفه‌ها، بهره‌وری کل عوامل تولید و نسبت سرمایه به نیروی کار بر سودآوری صنایع مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان از شکاف قیمت - دستمزد به عنوان معیاری از سودآوری استفاده کرده‌اند. مدل آنها، با داده‌های پانل پویای ناهمگن و به روش میانگین گروهی تلفیقی برآورد شده و نتایج حاصل نشان می‌دهد که علامت هر چهار متغیر مذکور مثبت است. تعرفه بیشترین و جهانی شدن کمترین تأثیر را بر سود دارند. بنابراین، پیامدهای کاهش تعرفه‌ها در قالب الحاق به سازمان جهانی تجارت، سودآوری صنایع را کاهش می‌دهند، در حالی که افزایش حجم تجارت یا جهانی شدن کمترین تأثیر را بر سودآوری دارد.

۳- مبانی نظری تحقیق

با گذشت حدود دو دهه از آزادسازی تجاری برای تنظیم تجارت بین الملل، جهت بهبود توزیع درآمد، افزایش درآمد دولت، بهبود رابطه مبادله تجاری و حفاظت از صنایع داخلی از مالیات بر تجارت به عنوان مانع تعرفه‌ای و دیگر موانع غیر تعرفه‌ای استفاده می‌شود. یکی از اساسی‌ترین مسائل آزاد سازی تجاری، از بین رفتن بخش زیادی از درآمدهای مالیاتی دولت‌ها در روند آزاد سازی تجاری است. از طرفی دیگر، به دلیل این که با آزادسازی تجاری رقابت در صنایع داخلی، به ویژه صنایع صادراتی افزایش می‌یابد و تکنولوژی خارجی نیز با ورود کالاهای خارجی، وارد می‌شود، این کشورها بر اساس تئوری‌های رشد جدید، مجبور به پذیرش آزادسازی تجاری هستند. از طرفی دیگر، مداخله‌های تجاری عدم تعادل‌های اقتصاد کلان را تشدید می‌کند؛ کارایی تخصیص منابع و رقابت را کاهش می‌دهد و سرانجام تأثیر پویا و ایستای تجارت بر روی رشد اقتصادی کشور را از بین می‌برد (جین، ۲۰۰۶). بنابراین، اختلالات ایجاد شده به وسیله مالیات بر تجارت بر دیگر فواید آن، از جمله تامین مالی مخارج دولت فزونی دارد. هنگامی با توجه به ملاحظات درآمدی تصمیم به آزادسازی تجاری گرفته می‌شود، اصلاح ساختار مالیات داخلی ابتدا باید به صورت کاهش اتکا به درآمدهای مالیات بر تجارت انجام گیرد. ولی در این راستا، برای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، مشکلات و محدودیت‌هایی مانند عملکرد متناقض سیستم‌های مالیاتی، محدودیت‌های نهادی، محدودیت‌های ساختاری

و هزینه‌های اخذ مالیات‌های داخلی را در پی دارد.

۳-۱- محدودیت‌ها و موانع اصلاح ساختار مالیات داخلی کشورهای در حال توسعه

۳-۱-۱ عملکرد متناقض سیستم‌های مالیاتی

مطابق با آمارهای بانک جهانی، اکثر کشورهای در حال توسعه سعی در افزایش مالیات کالاها و خدمات داخلی از طریق مالیات بر فروش، مالیات بر ارزش افزوده و افزایش مالیات غیر مستقیم داشتند. در عمل، به دلیل فرار مالیاتی پرداخت کنندگان و تولید کنندگان داخلی، مالیات‌های فروش بر کالاهای وارداتی درصد بیشتری را تشکیل می‌دهند.

۳-۱-۲ محدودیت‌های نهادی موجود در کشورهای در حال توسعه

نقش عوامل نهادی در وصول درآمدهای مالیاتی انکارناپذیر است، ولی با توجه به سیستم‌های مالیاتی قدیمی و منسوخ نهادهای وصول‌کننده مالیات در کشورهای در حال توسعه، ارزیابی و برآورد تعهدات مالیاتی و سرانجام وصول مالیات از مؤدیان مالیاتی بسیار مشکل است. علاوه بر آن، ایجاد فساد در نهادهای وصول‌کننده مالیات و فرار مالیاتی مؤدیان مالیاتی باعث تشدید این مشکل خواهد شد. از طرفی دیگر، با توجه به سهولت برآورد و اجرای مالیات بر تجارت به خاطر کنترل‌های آسان ورود و خروج کالا، اکثر کشورهای در حال توسعه برای تامین مالی هزینه‌های دولت به مالیات بر تجارت روی می‌آورند. محدودیت‌های نهادی موجود در این گونه کشورها تلاش برای گسترش پایه‌های مالیات داخلی و افزایش درآمد مالیاتی دولت‌ها، از طرفی غیر از مالیات بر تجارت، را خنثی می‌سازد (پاپونساک، ۱۳۷، ۲۰۰۹).

۳-۱-۳ محدودیت‌های ساختاری موجود در کشورهای در حال توسعه

کشورها همراه با رشد و توسعه به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در حرکت هستند. شهرنشینی با تمرکز فعالیتهای اقتصادی در نواحی شهری صنعتی پایه‌های مالیاتی بزرگتری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های سنتی شامل کسب و کارهای با مقیاس‌های کوچک است و عمدتاً جنبه خود مصرفی دارد نه جنبه تولید تجاری. اگر این فعالیت‌ها دارای مازاد نیز باشند، اغلب به دلیل بهره‌وری پایین، معاف از مالیات هستند. از

طرفی دیگر، در کشورهای در حال توسعه، به دلیل زیاد بودن نسبت وابستگی (نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت فعال) پایه‌های مالیات بر درآمد کمتری نسبت به اقتصادهای پیشرفته وجود دارد. این ویژگی‌ها، وابستگی کشورهای در حال توسعه به تجارت مواد اولیه و مالیات بر تجارت را در پی خواهد داشت (اکبریان، ۱۳۸۶).

۳-۱-۴ هزینه‌ی زیاد اخذ مالیات‌های داخلی

رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی، در مرحله‌ی اول، به عواملی مانند نحوه‌ی آزادسازی تجاری و عکس‌العمل صادرات و واردات به آزادسازی وابسته است. قدم اول در آزادسازی تجاری، اغلب جایگزین کردن موانع مقداری با تعرفه‌های گمرکی واردات است. این عامل با توجه به مقدار تعرفه وضع شده و تغییرات در حجم واردات، اغلب افزایش درآمد مالیات بر تجارت را به همراه دارد. در نهایت، آزادسازی تجاری که همراه با کاهش تعرفه‌های گمرکی است، احتمالاً کاهش درآمد مالیات بر تجارت خارجی را در پی خواهد داشت. ولی رابطه‌ی آزادسازی تجاری و کل درآمد مالیاتی به عواملی مانند سیستم مالیاتی، ظرفیت‌های مدیریتی و توانمندی‌ها و ساختار اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد. متغیرهایی همچون درآمد سرانه و نرخ ارز که متاثر از سیاست‌های پولی و مالی سیاست‌گذاری اقتصادی است، نیز می‌توانند همراه با آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی تاثیرگذار باشند (اگیگب و همکاران، ۲۰۰۶).

۳-۲ بررسی اثر آزاد سازی تجاری بر انواع مالیات

۳-۲-۱ آزادسازی تجاری و مالیات بر درآمد و سود

در کشورهای در حال توسعه، مالیات بر درآمد و سود، به دلیل ظرفیت‌های اجرایی محدود، فقط از تولیدکنندگان بزرگ و کارگران و کارمندان بخش عمومی شرکت‌های بزرگ اخذ می‌شود. معمولاً افزایش رونق و رشد اقتصادی باعث افزایش مالیات بر درآمد و سود می‌شود. از این رو، برای بررسی اثر آزادسازی بر مالیات بر درآمد و سود، می‌توان اثر آزادسازی تجاری بر رونق و رشد اقتصادی را بررسی کرد. اغلب نظرات مطرح در مورد اثر تجارت بر رشد اقتصادی نشان‌دهنده‌ی اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است (چین، ۲۰۰۶).



اثر آزادسازی تجاری بر مالیات بر درآمد و سود به مثبت یا منفی بودن اثر آزادسازی بر رشد اقتصادی وابسته است. تجربه‌ی کشورهای آسیای شرقی در مورد سیاست تشویق صادرات در مقایسه با کشورهای برقرار کننده‌ی استراتژی جانشینی واردات، حاکی از اثر مثبت آزاد سازی تجاری بر روی رشد اقتصادی است (گرجی و علیپوریان، ۱۳۸۵). ولی نکته‌ی مورد توجه اینست که در در کوتاه مدت با آزادسازی تجاری، واردات کالاهای قابل تجارت افزایش یافته است. در نتیجه، بنگاه‌ها و کارگران تولید کننده‌ی این کالاها با کاهش سود و دستمزد روبه رو می‌شوند و مالیات بر سود و درآمد کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر، بنگاه‌ها و کارگرانی که کالاهای غیر قابل تجارت تولید می‌کنند، به دلیل بیشتر بودن قیمت نسبی این کالاها، با افزایش سود و درآمد روبه رو می‌شوند. این امر موجب افزایش مالیات بر درآمد و سود می‌شود (خاتری و راثو، ۲۰۰۳).

۳-۲-۲ آزادسازی تجاری و مالیات بر کالاها و خدمات

سهم بزرگی از درآمدهای مالیاتی، مالیات بر کالاها و خدمات است. این کالاها شامل کالاهای قابل تجارت، از جمله کالاهای وارداتی و کالاهای غیر قابل تجارت با فرض جانشینی کامل کالاهای تولید شده در کشور است. آزاد سازی تجاری باعث کاهش قیمت‌های داخلی کالاها می‌شود. در این حالت، دولت می‌تواند برای جبران کاهش درآمدهای مالیاتی با اصلاح مالیات غیر مستقیم بر کالاها و خدمات از کاهش درآمدهای مالیاتی جلوگیری کند. وصول مالیات کالاها و خدمات از نظر اجرائی سخت تر از وصول مالیات بر تجارت است. همچنین، همواره علاوه بر کالاهای قابل تجارت، کالاهای غیر قابل تجارت نیز در اقتصاد وجود دارد. با کاهش نرخ‌های تعرفه، مصرف کنندگان با توجه به کاهش نسبی قیمت کالاهای وارداتی، به تغییر مصرف از کالاهای غیر قابل تجارت داخلی به کالاهای وارداتی روی می‌آورند. این امر، افزایش درآمد ناشی از مالیات کالاهای وارداتی و کاهش درآمد ناشی از مالیات کالاهای غیر قابل تجارت را در پی خواهد داشت. در نتیجه، تغییرات خالص در درآمد مالیاتی کالاها و خدمات با آزادسازی تجاری قابل پیش بینی نیست (کینا و لیگارتا، ۲۰۰۲). ولی در بلندمدت، رشد اقتصادی به دلیل آزادسازی تجاری قابل افزایش است.

۳-۲-۳ آزادسازی تجاری و مالیات بر تجارت

در کشورهای متمرکز بر سیاست‌های محدودیت تجاری شدید نظیر استراتژی جانشینین واردات، نرخ تعرفه‌ها بالاتر از نرخ حداکثر کننده‌ی درآمدهای مالیاتی دولت ناشی از تجارت است. در نتیجه، با آزادسازی تجاری رشد واردات و درآمدهای مالیات بر تجارت افزایش خواهد داشت (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۵). میزان تأثیر آزادسازی تجاری بر درآمد مالیات بر تجارت به ساختار آزادسازی وابسته است. به طور معمول، آزادسازی تجاری در قدم اول با حذف موانع مقداری و جایگزین کردن تعرفه‌ها به جای موانع غیر تعرفه‌ای اجرا می‌شود. این نوع آزادسازی با در نظر گرفتن مقدار تعرفه وضع شده و عکس العمل تجارت خارجی کشور به تعرفه‌های وضع شده، اثر مثبت کوچک یا گاهی اوقات بزرگی بر درآمد مالیات بر تجارت دارد. ولی در کل آزادسازی، با کاهش عوارض و تعرفه‌ها بر تجارت همراه است. اثر کاهش تعرفه بر درآمد مالیات بر تجارت، به مقدار کاهش تعرفه و عکس العمل صادرات و واردات به کاهش تعرفه‌ها، بستگی دارد. به عبارتی دیگر، با توجه به تغییر در قیمت نسبی کالاهای صادراتی و وارداتی به دلیل کاهش در تعرفه‌ها، درآمد مالیاتی به کشتش قیمتی تقاضای صادرات و واردات و همچنین کشتش قیمتی عرضه‌ی جانشین‌های وارداتی بستگی دارد. در صورت بالا بودن کشتش قیمتی صادرات یا واردات، با کاهش تعرفه‌ها انتظار افزایش درآمدهای مالیاتی حاصل از تجارت وجود دارد. در غیر این صورت، درآمد مالیات بر تجارت کاهش می‌یابد (اکبریان، ۱۳۸۶).

۳-۳-۴ نرخ ارز و درآمد مالیاتی

اصلاحات تجاری، اغلب باعث افزایش نرخ ارز واقعی می‌شود. با افزایش نرخ ارز، در صورتی که حجم صادرات و واردات تغییر نکنند، باعث افزایش ارزش واردات به پول داخلی شده و دریافتی‌های گمرکی را افزایش می‌دهد. ولی تقاضای واردات به کشتش قیمتی تقاضای واردات وابسته است و با توجه به کم بودن کشتش قیمتی تقاضای واردات در کوتاه مدت، درآمدهای گمرکی کاهش نمی‌یابد. از طرفی دیگر، حجم صادرات با افزایش ارزش نرخ ارز افزایش می‌یابد. افزایش ارزش صادرات، در صورت وجود تعرفه‌های گمرکی کالاهای صادراتی، افزایش درآمد گمرکی را در پی خواهد داشت (خاتری و راثو، ۲۰۰۳). با وجود آن که تقاضای واردات به طور نسبی کشتش ناپذیر یا کم کشتش



است، ولی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با توجه به وضع مالیات بر واردات کالاهای مصرفی نهائی و حمایت از تولید داخلی، کسش پذیری تقاضا بیشتر است. در نتیجه، با افزایش ارزش واقعی نرخ ارز، به دلیل گران تر شدن این کالاها، کسش قیمتی آن‌ها افزایش می‌یابد. این امر موجب حرکت مصرف داخلی به سمت کالاهای تولید داخل و غیر قابل تجارت یا گرایش به سوی کالاهایی با نرخ تعرفه کمتر و کاهش درآمد مالیات بر تجارت می‌شود (اکبریان، ۱۳۸۶).

۳-۳-۵. نرخ ارز و مالیات بر کالاها و خدمات

افزایش نرخ ارز واقعی باعث افزایش قیمت نسبی کالاهای قابل تجارت می‌شود. در نتیجه، درآمدهای مالیاتی ناشی از مالیات کالاهای غیر قابل تجارت، با توجه به مصرف بیشتر آنها در داخل کشور، به دلیل کاهش قیمت نسبی آن‌ها، افزایش می‌یابد. در این حالت، به طور همزمان درآمد مالیات بر تجارت کالاها و خدمات قابل تجارت کم می‌شود (خاتری و راثو، ۲۰۰۳).

۳-۳-۶. نرخ ارز و مالیات بر درآمد و سود

با افزایش نرخ ارز واقعی، قیمت کالاهای مصرفی نهایی افزایش، سود کارخانه‌ها و مالیات بر سود نیز افزایش می‌یابند. افزایش نرخ ارز واقعی، باعث افزایش تولید کالاهای تولیدی با استفاده از نهاده‌ها و کالاهای سرمایه‌ای خارجی می‌شود. در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌های جدید و سود بنگاه‌های موجود استفاده‌کننده از این نهاده‌ها و کالاها و در نتیجه مالیات بر سود شرکت‌ها کاهش می‌یابد. هم‌چنین، افزایش نرخ ارز واقعی، باعث می‌شود دستمزدها در واکنش نسبت به افزایش قیمت‌ها، افزایش یابند و با توجه به چگونگی تغییر جدول مالیات بر دستمزد یا درآمد اشخاص، درآمد ناشی از مالیات بر درآمد، کاهش یا افزایش خواهد یافت. از این رو، اثر تغییر در نرخ ارز و آزادسازی، بر درآمد مالیاتی نامشخص و در شرایط مختلف، متفاوت خواهد بود (اگبیگب و همکاران، ۲۰۰۶).

۴- معرفی متغیرها و تصریح مدل

۴-۱ انتخاب متغیرها

در این مقاله به منظور بررسی آثار آزاد سازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی از الگوی



خودرگرسیون برداری VAR و روش تابع عکس العمل آنی استفاده می‌گردد. متغیرهای مدل، براساس الگو برداری از کارهای انجام شده مشابه نظیر درهر (۲۰۰۵)، پاپونساک (۲۰۰۹)، تقی پور و علیخان قمی (۱۳۸۰) و اکبری‌ان و همکاران (۱۳۸۶) انتخاب شده‌اند. جهت آزمون اینکه این متغیرها به درستی انتخاب شده‌اند از آزمون علیت گرانجر کمک گرفته شده است. نتایج آزمون علیت در جدول (۴) گزارش شده است. شاخص‌های انتخابی برای متغیرهای مورد استفاده در مدل بصورت زیر می‌باشند:

شاخص انتخابی برای درآمدهای مالیاتی، سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی (Tax) می‌باشد. به منظور برآورد تأثیر آزادسازی تجاری از شاخص میزان باز بودن (Open) اقتصاد استفاده شده است. این شاخص بصورت سهم مجموع صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود. سایر متغیرهای مدل شامل نسبت وابستگی (Activ) که معرف نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت فعال است، شاخص تورم (Infl)، سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی (Ind) و نرخ ارز واقعی (Exch) می‌باشد. برای تخمین مدل داده‌های سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۴ اقتصاد ایران انتخاب شده است.

۲-۴ مانایی متغیرها

بطور کلی در استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری VAR بایستی تمامی متغیرهای مورد استفاده مانا باشند و در غیر اینصورت لازم است که قبل از برآورد مدل، متغیرهای نامانا به مانا تبدیل شوند. از آنجا که اغلب متغیرهای اقتصاد کلان نامانا و دارای روند تصادفی هستند در این مقاله ابتدا به بررسی وضعیت نامانایی متغیرها خواهیم پرداخت. در تخمین مدل‌های اقتصادسنجی در صورت استفاده از سریهای زمانی نامانا نتایج غیر معتبر هستند. در این مقاله با توجه به احتمال وجود شکست‌های ساختاری در میان متغیرهای سری زمانی آزمون ریشه واحد فیلیپس- پرون بکار گرفته شده است. لازم به ذکر است که به وسیله تفاضل گیری می‌توان متغیرهای نامانا را به مانا تبدیل کرد.

جدول ۱: نتایج آزمون فیلیپس - پرون در سطح و تفاضل مرتبه اول متغیرها

مرتبۀ انباشتگی	مقدار بحرانی			آماره محاسباتی	متغیر
	10%	5%	1%		
I(0)	-۳,۲۰۷۰۹۴	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	۳,۷,۴۶۹۷	Tax
I(1)	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	-۲,۹۶۸۲۶۹	Open
	-۳,۲۰۹۶۴۲	-۳,۵۵۲۹۷۳	-۴,۲۶۲۷۳۵	-۸,۱۷۱۵۲۵	D(Open)
I(1)	-۳,۲۰۷۰۹۴	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	-۱,۴۰۰۷۵۴	Exch
	-۳,۲۰۹۶۴۲	-۳,۵۵۲۹۷۳	-۴,۲۶۲۷۳۵	-۳,۹۴۷۶۰۴	D(Exch)
I(1)	-۳,۲۰۷۰۹۴	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	-۲,۹۶۸۵۱۳	Ind
	-۳,۲۰۹۶۴۲	-۳,۵۵۲۹۷۳	-۴,۲۶۲۷۳۵	-۸,۷۲۲۳۶۳	D(Ind)
I(0)	-۳,۲۰۷۰۹۴	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	۶,۴۶۷۹۰۶	Infl
I(1)	-۳,۲۰۷۰۹۴	-۳,۵۴۸۴۹۰	-۴,۲۵۲۸۷۹	۰,۲۵۲۸۶۴	Activ
	-۳,۲۱۲۳۶۱	-۳,۵۵۷۷۵۹	-۴,۲۷۳۲۷۷	-۵,۲۰۰۶۰۳	D(Activ)

براساس جدول (۱) متغیرهای Tax و Infl در سطح مانا می‌باشند و سایر متغیرها نیز با یکبار تفاضل گیری مانا می‌شوند.

۳-۴ هم انباشتگی

از آنجا که استفاده از تفاضل اول متغیرها می‌تواند موجب از دست رفتن اطلاعات بلند مدت آنها گردد، لازم است تا قبل از استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری VAR با استفاده از آزمون هم انباشتگی از عدم وجود بردار هم انباشتگی بین متغیرها اطمینان حاصل گردد. این امر به این دلیل است که شرط استفاده از الگوی VAR عدم وجود بردار هم انباشتگی بین متغیرها است. به عبارت دیگر در صورت وجود بردار هم انباشتگی استفاده از این الگو به علت عدم لحاظ اطلاعات بلند مدت، نادرست و به جای آن بایستی از الگوی VECM استفاده کرد. بنابراین در صورت عدم شناسایی بردار هم انباشتگی از الگوی VAR و در صورت شناسایی بردار هم انباشتگی از الگوی VECM استفاده می‌گردد.

جدول ۲: نتایج آزمون هم انباشتگی

متغیر	نوع آزمون	فرضیه صفر	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد
Exchm , Open	Trace	$r=0$ $r=>1$	۷,۶۹۲ ۰,۰۰۳	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۲۱ ۰,۰۰۰۱	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
Exchm , Activ	Trace	$r=0$ $r=>1$	۷,۷۳۷ ۱,۲۳۶	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۱۸۶ ۰,۰۳۷	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
Exchm , Ind	Trace	$r=0$ $r=>1$	۱۲,۵۵۶ ۲,۳۱۱	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۲۷۳ ۰,۰۶۹	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
Open , Activ	Trace	$r=0$ $r=>1$	۱۷,۲۵۱ ۰,۹۶۵	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۳۹۸ ۰,۰۲۹	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
Open , Ind	Trace	$r=0$ $r=>1$	۷,۱۱۴ ۰,۰۶۵	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۱۹۷ ۰,۰۰۲	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
Activ , Ind	Trace	$r=0$ $r=>1$	۸,۵۵۲ ۰,۰۰۴	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱
	Max-Eigen	$r=0$ $r=>1$	۰,۲۳۴ ۰,۰۰۰۱	۱۵,۴۹۴ ۳,۱۴۱

با توجه به نتایج آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون ملاحظه می‌شود که آماره محاسبه شده این آزمون برای سطح دو متغیر تورم و سهم مالیات از GDP بزرگتر از مقادیر بحرانی و برای سایر متغیرها کوچکتر از مقادیر بحرانی است. از این رو نتایج این آزمون دلالت بر مانایی در سطح دو متغیر تورم و مالیات و نامانایی در سطح سایر متغیرها دارد. بنابراین به منظور اجتناب از وجود رگرسیون کاذب و برآوردهای نادرست باید از تفاضل اول آنها یا متغیرهای مانا شده استفاده کرد و همچنین باید از عدم وجود روابط بلند مدت در میان متغیرهای نامانا اطمینان حاصل کرد. به این منظور نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی یوهانسون جوسیلیوس که دال بر عدم وجود بردار هم انباشتگی در میان متغیرهای ناماناست در جدول (۲) آمده است. با توجه به نتایج آزمون هم انباشتگی، حال می‌توان از روش خودرگرسیون برداری VAR جهت تخمین مدل استفاده کرد.

۴-۴ تعیین طول وقفه

یکی از مهمترین مراحل تخمین مدل‌های VAR و بطور کلی مدل‌های سری زمانی تعیین تعداد وقفه بهینه می‌باشد. برای تعیین تعداد وقفه بهینه می‌توان از معیارهای مختلفی از جمله آزمون LR، معیار شوارتز و معیار آکائیک کمک گرفت. در اینجا از معیار آکائیک استفاده شده است و براساس معیار آکائیک، وقفه دوم متغیرهای توضیحی بعنوان وقفه بهینه برای الگو سازی تعیین شده است.

جدول ۳: تعیین وقفه متغیرها

وقفه	معیار آکائیک
۱	-۵,۳۰۱۱
۲	-۲۰,۱۶۰۶
۳	-۱۹,۳۴۸۴
۴	-۵,۸۵۸۲

۴-۵. تصریح مدل

با توجه به مطالب پیش گفته شکل مدل تصریح شده بصورت زیر می باشد:

$$\text{Tax} = F(\text{Open, Exch, Ind, Infl, Activ})$$

قبل از تخمین الگو بهتر است تا با استفاده از آزمون علیت گرنجری جهت علیت میان متغیرها شناسایی شود. اما از آنجا که در اینجا بدنبال بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی هستیم تنها به گزارش یکی از معادله‌های مدل برآوردی می پردازیم. در جدول (۴) نتایج معادله‌ای که در آن درآمد مالیاتی تابعی از باز بودن تجاری، نرخ ارز واقعی، نسبت وابستگی، شاخص تورم و سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است، آمده است.

جدول ۴: نتایج آزمون علیت گرنجری مدل

آماره F	فرضیه صفر
۰,۴۶۳۳	D(Open) دلیل گرنجری Tax نیست.
۲,۰۵۴۶	D(Exch) دلیل گرنجری Tax نیست.
۰,۶۵۶۷	D(Ind) دلیل گرنجری Tax نیست.
۴,۰۷۰۰	Infl دلیل گرنجری Tax نیست.
۰,۵۲۱۱	D(Activ) دلیل گرنجری Tax نیست.

جدول ۵: نتایج تخمین مدل

آماره t	انحراف معیار	ضرایب	متغیر
-۲,۸۶۶	$5.40 \cdot 10^{-7}$	$-1.54 \cdot 10^{-6}$	D(OPEN(-1))
-۲,۰۰۵	$4.9 \cdot 10^{-7}$	$-9.76 \cdot 10^{-7}$	D(OPEN(-2))
-۲,۳۲۷	$1.3 \cdot 10^{-5}$	$3.00 \cdot 10^{-5}$	D(EXCHM(-1))
-۰,۱۹۴	$5.9 \cdot 10^{-6}$	$-1.14 \cdot 10^{-6}$	D(EXCHM(-2))
-۲,۸۵۹	۱,۲۷۴	-۳,۶۴۴	D(IND(-1))
-۱,۸۰۸	۱,۱۶۸	-۲,۱۱۳	D(IND(-2))
-۱,۹۷	۰,۰۰۱	-۰,۰۰۲	INFL(-1)

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
INFL(-2)	-۳,۶۴	۱,۲۷	-۲,۴۲
D(Activ (-1))	۰,۱۴۸	۰,۱۵۱	۰,۹۷۷
D(Activ (-2))	۰,۳۱۵	۰,۱۶۷	۱,۸۸۵

۴-۶ تحلیل نتایج مدل

۴-۶-۱ رابطه آزاد سازی و درآمدهای مالیاتی

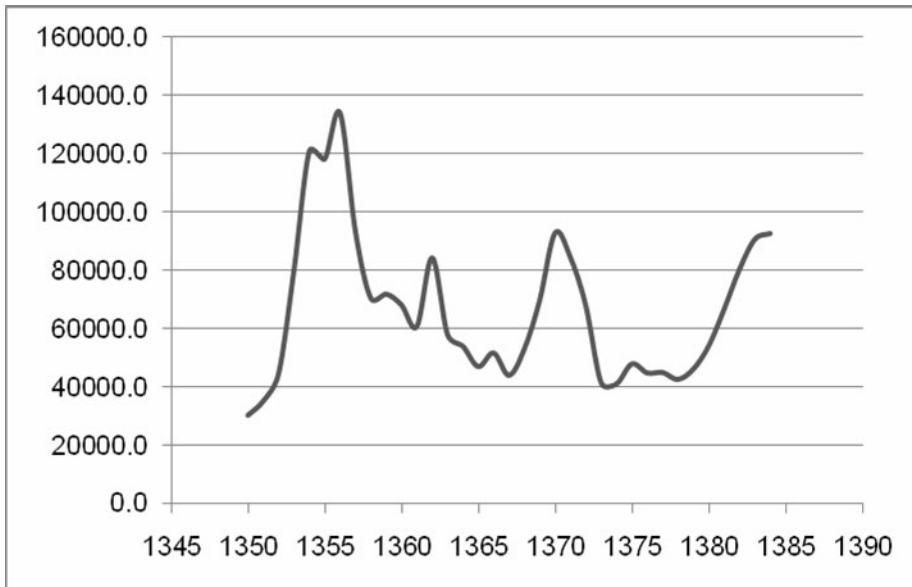
رابطه آزاد سازی و درآمدهای مالیاتی منفی است. با آزاد سازی تجاری، تعرفه‌های واردات کاهش می‌یابد. کاهش تعرفه‌ها، کاهش مالیات بر تجارت و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیاتی را در پی دارد. این رابطه مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، از این حیث که سهم مالیات بر تجارت از درآمدهای مالیاتی بیشتر از سایر انواع مالیات است، کاملاً مشهود و ملموس است. به این دلیل که پیوستن به سازمان تجارت جهانی همراه با آزاد سازی تجاری است، می‌توان برای توضیح تأثیر پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی از تحلیلی مشابه با تحلیل بالا استفاده کرد.

۴-۶-۲ رابطه نرخ ارز و درآمدهای مالیاتی

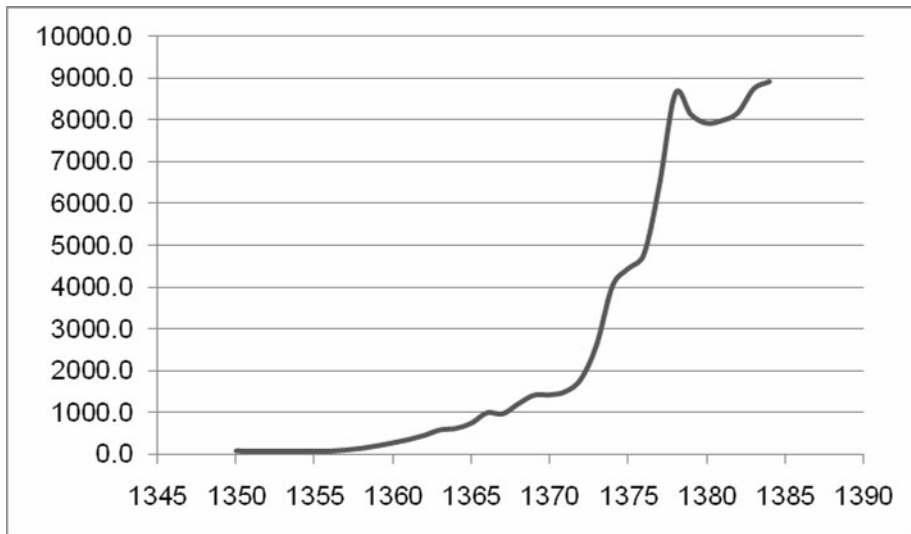
رابطه نرخ ارز و درآمدهای مالیاتی مثبت است. یعنی با افزایش ارزش نرخ ارز واقعی درآمد مالیات بر تجارت افزایش می‌یابد. با این حال افزایش نرخ ارز می‌تواند از دو طریق بر درآمدهای مالیاتی تأثیر گذارد. اول، با افزایش ارزش نرخ ارز واقعی، به دلیل گرانتر شدن کالاهای وارداتی، کشش قیمتی آنها افزایش می‌یابد. در نتیجه، مصرف داخلی به سمت کالاهای تولید داخل و غیر قابل تجارت یا حداقل کالاهایی که نرخ تعرفه‌ی کمتری بر روی آنها وضع شده است، حرکت می‌کند و باعث کاهش درآمد مالیات بر تجارت می‌شود (اکبریان، ۱۳۸۶).

دوم اینکه در صورت افزایش نرخ ارز، ارزش کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد و در صورت عدم کاهش واردات، میزان مالیات اخذ شده افزایش می‌یابد. برای بررسی رابطه واقعی موجود بین نرخ ارز و واردات در ایران، نمودار سری‌های زمانی نرخ ارز واقعی و واردات در شکل (۱) و (۲) ارائه شده است.

شکل ۱: نمودار واردات کالاها و خدمات



شکل ۲: نمودار نرخ ارز واقعی



با توجه به شکل می‌توان گفت نرخ ارز یک روند افزایشی دارد در حالیکه واردات یک مسیر نوسانی را طی می‌کند. بنابراین این ادعا که در ایران افزایش نرخ ارز تأثیری بر

واردات ندارد چندان دور از واقعیت نیست. با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت که افزایش نرخ ارز باعث افزایش ارزش کالاهای وارداتی و به تبع آن باعث افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود.

۴-۶-۳ رابطه سهم صنعت از GDP و درآمدهای مالیاتی

رابطه سهم بخش صنعتی از تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی منفی است. در صورت افزایش تولیدات صنعتی و به تبع آن کاهش قیمت این تولیدات، و همچنین با فرض ثابت ماندن نرخ تعرفه کالاهای وارداتی، تقاضا برای کالاهای وارداتی (که در مقابل کالاهای صنعتی تولید داخلی گرانتر هستند) کاهش می‌یابد و در نتیجه میزان تعرفه دریافتی کاهش می‌یابد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه تولیدات صنعتی و درآمدهای مالیاتی یک رابطه منفی است. به این معنی که با افزایش تولیدات صنعتی، درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابند.

۴-۶-۴ رابطه تورم و درآمدهای مالیاتی

رابطه تورم و درآمدهای مالیاتی در وقفه (۱) منفی و در وقفه (۲) مثبت است. از آنجا که در مدل خودرگرسیون برداری VAR به دلیل وقوع مسائلی نظیر مثبت و منفی شدن ضرایب در وقفه‌های مختلف و فاقد پشتوانه نظری بودن تفسیر ضرایب مشکل است از توابع عکس‌العمل آبی و تجزیه واریانس استفاده می‌شود. براین اساس برای تفسیر ضریب تورم در این مقاله، تابع عکس‌العمل آبی به کار گرفته شد که نتایج حاکی از مثبت بودن رابطه تورم و درآمدهای مالیاتی در بلند مدت می‌باشد.

بنابراین رابطه مثبت تورم و درآمدهای مالیاتی را اینگونه می‌توان تفسیر کرد:

بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها یعنی افزایش قیمت کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای از طریق افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی و افزایش درآمدهای مالیات بر تجارت موجب افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود. به بیان دیگر ما مواجه با یک مالیات تورمی هستیم.

۴-۶-۵ رابطه نسبت وابستگی و درآمدهای مالیاتی

رابطه نسبت وابستگی و سهم درآمدهای مالیاتی از GDP مثبت و در سطح ۱۰ درصد معنادار است. به این مفهوم که بالا رفتن نسبت وابستگی، افزایش نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت فعال، موجب کاهش قدرت تولید داخلی و افزایش واردات می‌شود افزایش

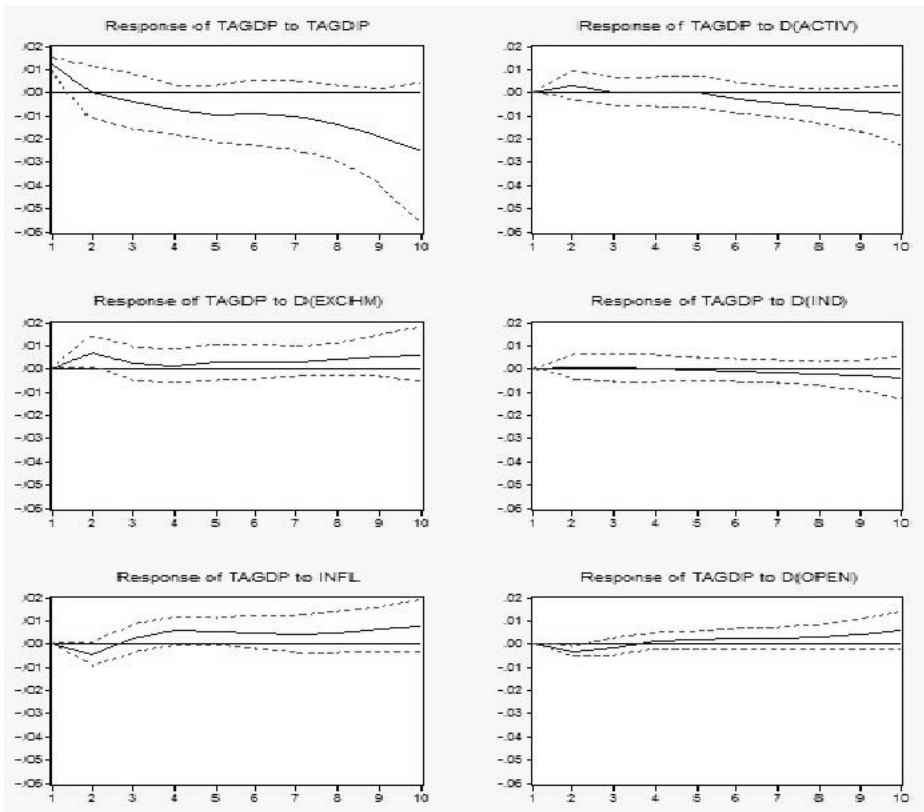
واردات، بالا رفتن مالیات بر واردات و درآمدهای مالیاتی را در پی دارد.

۴-۷ تابع عکس العمل آنی

با بررسی توابع عکس العمل درآمدهای مالیاتی در برابر تکان‌های متغیرهای تورم، باز بودن تجاری، نسبت وابستگی، نرخ ارز و سهم صنعت که در شکل (۳) آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که:

- یک تکان مثبت به اندازه یک انحراف معیار در نرخ رشد آزادسازی تجاری، ابتدا منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی و در بلند مدت منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود.
- یک تکان مثبت به اندازه یک انحراف معیار در تورم، ابتدا منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی و در بلند مدت منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود.
- تکان مثبت در نرخ رشد سهم صنعت از GDP، ابتدا باعث افزایش درآمدهای مالیاتی و سپس کاهش آنها می‌شود
- تکان مثبت در نرخ رشد نسبت وابستگی، ابتدا باعث افزایش درآمدهای مالیاتی و سپس کاهش آنها می‌شود
- تکان در نرخ رشد نرخ ارز واقعی ابتدا منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی سپس کاهش و در بلند مدت منجر به افزایش آن می‌شود.

شکل ۳: توابع عکس العمل درآمدهای مالیاتی



۴-۸ تجزیه واریانس

جدول (۵) نتایج تجزیه واریانس مربوط به مدل را نشان می‌دهد. ستون اول، نشان دهنده خطای پیش بینی در دوره‌های مختلف است. منبع این خطا، تغییر در مقادیر جاری و تکنانه‌های آتی است. خطای پیش بینی در طی زمان افزایش می‌یابد. ستون‌های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر ناگهانی یا تکنانه مشخص را نشان می‌دهد. در ستون دوم، جدول نشان می‌دهد که در دوره اول صد درصد تغییرات درآمدهای مالیاتی ناشی از درآمدهای مالیاتی است. در دوره دوم ۶۱/۲۹ درصد تغییرات درآمدهای مالیاتی ناشی از درآمدهای مالیاتی، ۲/۳۱ درصد مربوط به رشد آزادسازی، ۲/۸۶ درصد مربوط به رشد نسبت وابستگی، ۲۱/۰۶ درصد مربوط به رشد نرخ ارز، ۱/۹۵ درصد مربوط به رشد سهم صنعت از تولید ناخالص و ۱۰/۵۰ درصد ناشی از تورم است. در طی زمان سهم تغییرات ناشی از

درآمدهای مالیاتی و رشد نسبت وابستگی افزایش، سهم تغییرات ناشی از تورم و رشد نرخ ارز کاهش می‌یابد و سهم تغییرات مربوط به رشد آزادسازی و رشد سهم صنعت از تولید ناخالص تقریباً ثابت می‌ماند.

جدول ۵: نتایج تجزیه واریانس

Variance Decomposition of TAGDP:							
Period	S.E.	TAGDP	D(OPEN)	D(ACTIV)	D(EXCHM)	D(IND)	INFL
1	0.012123	100	0	0	0	0	0
2	0.015485	61.29506	2.31952	2.862173	21.0677	1.952337	10.50321
3	0.016362	61.00878	2.111901	2.571623	20.75695	2.813449	10.7373
4	0.018966	61.29234	1.590223	1.915329	15.86448	2.10128	17.23635
5	0.022059	63.50497	1.542731	1.418856	12.94192	1.617537	18.97399
6	0.024713	63.42015	1.67278	2.425648	11.14254	1.536655	19.80222
7	0.027722	63.91353	1.785338	4.776641	9.572759	1.529607	18.42212
8	0.03226	64.62497	2.064669	7.526238	7.879875	1.441422	16.46283
9	0.039448	66.36104	2.294362	9.502981	6.270219	1.370643	14.20075
10	0.049483	68.61605	2.317595	10.73117	4.660151	1.441842	12.2332
20	0.260007	66.98738	2.231142	22.61426	0.3291	4.437037	3.401078
40	3.764121	69.84222	2.289588	15.39563	1.460455	2.298907	8.713199

۵- نتیجه گیری

طبق نتایج تحقیق پیوستن به سازمان تجارت جهانی و آزاد سازی تجاری باعث کاهش درآمدهای مالیاتی دولت خواهد شد. درآمدهای مالیاتی در ایران نیز مانند اکثر کشورهای در حال توسعه بیشتر وابسته به مالیات بر تجارت است. با آزادسازی تجاری دولت ناگزیر به کاهش نرخ تعرفه‌ها می‌باشد و به این ترتیب کاهش درآمدهای مالیاتی حتمی است. از طرف دیگر، رابطه‌ی نسبت وابستگی، که نشان دهنده‌ی ساختار جمعیتی کشور است، با کل درآمد مالیاتی مثبت است. همچنین افزایش تورم موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود.

نتیجه دیگری که می‌توان از این مقاله گرفت این است که رشد تولیدات صنعتی درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد.

۶- پیشنهادات

در راستای آزادسازی تجاری و در پی آن کاهش درآمدهای مالیاتی، دولت می‌تواند با اصلاح ساختار مالیاتی و اجرای سیاست‌هایی نظیر اجرای مالیات بر ارزش افزوده اقدام به جانشین کردن درآمدهای مالیاتی از دست رفته ناشی از آزادسازی کند. در حال حاضر دولت از بخشها و شرکتهایی همانند خودروسازی، که باید بازده و توان رقابت پذیری بالایی در مواجهه با شرکتهای خارجی داشته باشند، با نرخ‌های تعرفه بالای وارداتی حمایت میکند. این عامل دو تأثیر عمده بر درآمدهای مالیاتی در پی خواهد داشت. اول اینکه، همانگونه که در بالا گفته شد، با افزایش تولیدات اینگونه صنایع حمایت شده از طرف دولت، درآمدهای مالیاتی کاهش خواهد یافت. و این موضوع خود به این دلیل است که نرخ تعرفه بالاتر از نرخ حداکثر کننده مالیات می‌باشد. و دوم اینکه این عامل علاوه بر این با عدم کسب درآمدهای مالیاتی داخلی بیشتر برای دولت همراه است. در این حالت دولت در راستای آزادسازی تجاری و بالا بردن رقابت، باید به تدریج دست از سیاست‌های حمایتی بردارد، تا بتواند در بلند مدت به درآمدهای مالیاتی باثبات و پایداری دست یابد. و با توجه به رابطه نسبت وابستگی و درآمدهای مالیاتی، برای دستیابی به یک درآمد مالیاتی پایدار و بهینه باید با اجرای سیاست‌هایی، ساختار جمعیت آینده در راستای رسیدن به یک نسبت وابستگی مناسب تغییر یابد.

منابع

الف. فارسی

- ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن، محسنی، رضا (۱۳۸۵)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات»، مجله پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۴: ۹۵-۱۲۶.
- اشرف زاده، سیدحمیدرضا، نصیرزاد، مهران (۱۳۸۷)، «تأثیر جهانی شدن و الحاق به WTO بر سودآوری صنایع»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۴: ۱-۱۵.
- اکبریان، رضا، قائدی، علی، وهام، رضا (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی در ایران»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، شماره ۳: ۱-۲۲.
- تقی پور، انوشیروان، علیخان قمی، روزبه (۱۳۸۰)، «تحلیل عوامل مؤثر بر مالیات و پیش



بینی آن مورد مطالعه ایران (۱۳۷۸-۱۳۵۲)، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۰ و ۴۱: ۸۹-۶۱

خداویردی، احمد (۱۳۸۰)، «تحلیل اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از تکنیک هم انباشتگی»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶: ۱۴۹-۱۸۰.
سید علی اکبری، شکوه سادات (۱۳۸۱)، «اثر آزادسازی تجاری بر اشتغال صنعتی»، مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۸۱، شماره ۲۹: ۵۲-۵۵.

کشاورز حداد، غلامرضا، نجاتحی محرمی، زهرا (۱۳۸۵)، «آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزد در ایران سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۰»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷: ۱۸۹-۲۱۹.

کلباسی، حسن، اکبری، نعمت الله، صادقی گوغری، زین العابدین (۱۳۸۴)، «بررسی موقعیت صنعت مس در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی»، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۲: ۹-۱۴.

کمیجانی، اکبر، قویدل، صالح (۱۳۸۵)، «نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران»، مجله پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۰: ۱۳-۴۲.

گرچی، ابراهیم، علیپوریان، معصومه (۱۳۸۵)، «تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک»، مجله پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۴۰: ۱۸۷-۲۰۴.
محسنی، رضا (۱۳۸۵)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر تقاضای واردات در ایران: مطالعه کالایی»، مجله پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۴۱: ۱۸۱-۲۱۲.

محسنی، رضا، غلامی نتاج امیری، سعید (۱۳۸۴)، «آزادسازی تجاری و رشد صنعتی در ایران»، مجله پژوهش نامه بازرگانی، ۱۳۸۴، شماره ۳۴: ۲۰۳-۲۴۶.

نیکواقبال، علی اکبر، ولی بیگی، حسن (۱۳۸۶)، «رقابت پذیری صنایع ایران در روند الحاق به سازمان تجارت جهانی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۹: ۱۹۳-۲۱۱.

ولی بیگی، حسن، سیف، الله مراد (۱۳۸۲)، «پیامدهای احتمالی عضویت در سازمان تجارت جهانی بر صنایع ایران مطالعه موردی صنعت قطعات خودرو»، مجله پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۲۶: ۵۱-۷۴.

- Agbeyegbe, Terence D, Stotsky, Janet, WoldeMariam, Aseggedech (2006), "Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa", *Journal of Asian Economics*, 17: 261-284.
- Baunsgaard, Thomas, Keen, Michael (2010), "Tax revenue and (or?) trade liberalization", *Journal of Public Economics*, 94: 563-577.
- Brafu-Insaidoo, William Gabriel, Obeng, Camara Kwasi (2008), "Effect of Import Liberalization on Tariff Revenue in Ghana" University of Cape Coast, Working Paper No 180.
- Bretschger, Lucas, Hettich, Frank (2002), "Globalisation, capital mobility and tax competition: theory and evidence for OECD countries", *European Journal of Political Economy*, Vol 18 : 695-716.
- Bretschger, Lucas (2010), "Taxes, mobile capital, and economic dynamics in a globalizing world", *Journal of Macroeconomics*, 32 : 594-605.
- Dreher, Axel (2006), "The influence of globalization on taxes and social policy: An empirical analysis for OECD countries", *European Journal of Political Economy*, Vol 22 : 179-201.
- Jin, Jang C, (2006), "Openness, growth, and inflation: Evidence from South Korea before the economic crisis", *Journal of Asian Economics*, Vol 17: 738-757.
- Keen, Michael, Ligthart, Jenny E (2002), "Coordinating tariff reduction and domestic tax reform", *Journal of International Economics*, vol 56 : 489-507.
- Khattry, B, Rao, J, M, (2003), "Fiscal Faux Pas?: An Analysis of the Revenue Implication of Trade Liberalization", *World Development*, 70(8): 1431-1444.
- Lucke, Bernd (2001), "Fiscal Impact of Trade Liberalization: The Case of Syria", University of Hamburg von-Melle-Park, Working Paper No. 5, D-20146.
- Marking, Annika (2010), "Trade Liberalization and Tax Reforms in Cape Verde", University of Lund, Working Paper No. 202.
- Mujumdar, Sudesh (2004), "Revenue Implications of Trade Liberalization under Imperfect Competition", *Economics Letters*, 82: 83-89.
- Pupongsak, Suparerk (2009), "The effect of trade liberalization on

taxation and government revenue",A thesis submitted to the University of Birmingham for the degree of Doctor of Philosophy Department of Economics College of Social Sciences.

Tosun, Mehmet S (2005), "The Tax Structure and Trade Liberalization of the Middle East and North Africa Region", Review of Middle East Economics and Finance, vol : 14-30



مجلس شورای اسلامی ایران

وزارت امور مالیاتی

چهارمین همایش سیاست‌های

مالی و مالیاتی ایران